

## از باغ تا پارک<sup>۱</sup>

حسین سلطان زاده\*

### چکیده

باغ‌های ایرانی که براساس برخی از اسناد موجود، پیشینه آن‌ها حداقل به دوران هخامنشی می‌رسد، همواره و در طول تاریخ ایران ویژگی‌ها و اصولی عام و اساسی داشتند که آن‌ها را از سایر باغ‌ها در سرزمین‌های دیگر متمایز می‌سازد. برخی از این اصول مانند طرح چهار باغ و کاربرد شبکه‌های شطرنجی همواره در طراحی انواع باغ‌های ایرانی استفاده می‌شده است. از دوره قاجار به بعد به تدریج تحت تأثیر فرهنگ و معماری اروپا، چگونگی طراحی باغ‌های ایرانی دگرگون شد و فضاهایی پدید آمد که کاربرد خطوط و سطح‌های منحنی شکل و غیر متقارن از ویژگی‌های اساسی آن به شمار می‌آید. این‌گونه فضاهای سبز را به تقلید از اروپاییان پارک می‌نامیدند. نمونه‌هایی از آن‌ها که در آغاز توسط اعیان و رجال مورد توجه قرار گرفتند و سپس در طراحی فضاهای سبز عمومی مورد توجه قرار گرفتند، در نقشه تهران در دوره قاجار قابل مشاهده است. این پارک‌های نخستین غالباً از لحاظ مالکیت و نحوه استفاده از آنها همانند باغ‌ها بودند.

از آغاز دوره پهلوی و هم‌زمان با دگرگونی‌هایی اساسی و ساختاری در بافت و کاربری‌های شهری از یک سو و تغییراتی که در ساختار واحدهای مسکونی روی داد و منجر به کوچک شدن حیات و فضای سبز آنها شد، موجب گردید که نوع جدیدی از فضاهای سبز شهری که برخلاف پارک‌های نخستین که مالکیت شخصی داشتند و غالباً برای استفاده عموم نبودند؛ برای استفاده مردم شهر و به‌صورت عمومی طراحی و ساخته شوند که از لحاظ کالبدی نیز فاقد فضاهای ساخته شده مانند باغ‌ها بودند.

**کلید واژگان:** باغ، باغ ایرانی، باغ - مزار، باغ ارم، بوستان، بهشت، روضه، فضای سبز.

<sup>۱</sup> - این مقاله در راستای تدوین پایان‌نامه دکتری معماری نگارنده با عنوان «بازتاب سنت در معماری معاصر ایران»، با

راهنمایی جناب آقای دکتر داراب دیبا تألیف شده است.

\* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

## مقدمه

می‌توان اظهار داشت که باغ، آرمانی‌ترین و خوشایندترین فضای معماری در ایران به شمار می‌آمده است. زیرا کمبود آب و فضای سبز در بسیاری از نواحی کشور به‌ویژه نواحی مرکزی و جنوبی کشور موجب می‌شد که باغ به‌عنوان فضایی سبز و آرامش‌بخش، محل مناسبی برای سکونت و گذران اوقات فراغت به‌شمار آید. البته به سبب کمبود آب تنها عدهٔ اندکی از اعیان و رجال می‌توانستند از این‌گونه باغ‌ها برای سکونت استفاده کنند و در برخی از شهرها گاه یک باغ برای گردش‌گاه عمومی مورد استفاده قرار می‌گرفت یا مردم از عرصه‌های سبز طبیعی و باغ‌های واقع در حاشیهٔ شهر استفاده می‌کردند، به همین سبب نسبت به سایر فضاهای معماری شمار قابل‌توجهی نام برای آن در نظر می‌گرفتند.

تنوع اقلیمی و جغرافیای پهناور ایران موجب شکل‌گیری انواع گوناگونی از باغ‌ها در طول تاریخ شده‌است که به برخی از مهم‌ترین انواع آن در این متن اشاره می‌شود، اما چند ویژگی مهم موجب شده که همهٔ این باغ‌ها در چند زمینه، خصوصیات مشترک نیز داشته باشند، به‌گونه‌ای که بتوان برای باغ معمول ایرانی چند خصوصیت مهم و عمومی برشمرد؛ از جمله استفاده از انواع طرح‌های شطرنجی شکل و شبکه‌ای و به‌خصوص طرح چهارباغ، چه به‌صورت کامل یا به شکل‌های متنوع متناسب با محیط.

براساس اسناد موجود، پیشینهٔ طراحی باغ و فضاهای سبز گسترده حداقل به دورهٔ هخامنشیان می‌رسد. در این رابطه به عنوان مثال در قسمتی از پاسارگاد آثاری از چهار کاخ برون‌گرا باقی‌مانده که براساس بررسی‌های انجام شده، فضای بین کاخ‌های مزبور به‌صورت یک چهارباغ بوده است.

در برخی از متون مربوط به معماری و شهرسازی پیش از اسلام از جمله شاهنامهٔ فردوسی به طراحی و ساخت باغ‌ها در دوران باستان اشاره شده است. در دوران اسلامی نیز طراحی باغ‌ها و کاخ‌ها به‌صورتی بارز در دورهٔ غزنویان مورد توجه قرار گرفت و با وجود آن که نمونه‌هایی قابل بررسی از آن دوران باقی‌نمانده، اما برخی از ویژگی‌های آنها را از متون تاریخی می‌توان مورد توجه و بررسی قرار داد. از دورهٔ تیموریان نیز براساس متون تاریخی شمار فراوانی باغ طراحی و ساخته شده است. علاقهٔ تیمور به باغ‌های ایرانی به‌خصوص به باغ‌های شیراز چنان بود که در سمرقند و بخارا شماری باغ با نام باغ‌های ایرانی به‌دستور او ساخته شد.

در دورهٔ قاجار طراحی باغ‌های ایرانی همانند طراحی برخی از دیگر فضاهای معماری به‌تدریج از معماری اروپایی تأثیر پذیرفت و فضاهایی طراحی و ساخته شدند که به پیروی از چگونگی خصوصیات طراحی آن‌ها، در همان زمان پارک نامیده شدند. از اوایل این قرن و

هم‌زمان با توسعه شهرها و نیاز به طراحی و ساخت فضاهای سبز عمومی، از خصوصیات طراحی پارک استفاده شده و بیشتر فضاهای سبز عمومی از این دوره به بعد، با این خصوصیت ساخته شده‌اند. در این رابطه مسئله مهم این است که ماهیت طراحی فضاهای سبز در دوره معاصر کمابیش همانند ماهیت طراحی بسیاری از فضاهای معماری در تداوم طراحی باغ‌های ایرانی نبوده و فاقد هویت و خصوصیات بومی است. در طراحی این فضاهای بزرگ سبز شهری، غالباً افراد یا گروه‌های طراحی تنها با تکیه بر ذوق و سلیقه‌های فردی اقدام به طراحی می‌کنند و هرچند که در بسیاری از موارد، فضاهای کارکردی سودمند و حتی گاه زیبا طراحی می‌کنند، اما این فضاها، فاقد هویت و اصالت ایرانی است. البته باید توجه داشت که در نظر گرفتن هویت ایرانی برای طراحی فضاهای سبز معاصر به معنی تقلید از طراحی باغ‌های سنتی نیست، زیرا آشکار است که تقلید از طرح‌های گذشته، اقدامی خوشایند و سودمند به‌شمار نمی‌آید. بلکه در مقابل لازم است طراحی باغ یا به‌عبارت امروز بوستان، از یک‌سو متناسب با شرایط محیطی، شهری، فنی و الگوهای رفتاری امروز و از سوی دیگر متناسب با ایده‌ها و مفاهیم ایرانی صورت گیرد و در این روند، طراح باید با ابداع و خلاقیت بتواند به‌صورت‌ها و فرم‌هایی بدیع و نو برسد.

### پرسش‌های تحقیق

پرسش اساسی و اصلی این تحقیق این است که از چه زمانی و چگونه طراحی و ساخت پارک‌های (بوستان‌ها) دوره معاصر به‌جای طراحی و ساخت باغ‌های ایرانی معمول شد و خصوصیات هرکدام چیست؟

این پرسش برای وضوح بیشتر به پرسش‌های مشخص‌تر زیر قابل تجزیه است:

- ۱- پیشینه طراحی باغ ایرانی به چه زمانی می‌رسد؟
- ۲- خصوصیات باغ‌های ایرانی چیست؟
- ۳- پیشینه طراحی پارک‌های امروز به چه زمانی می‌رسد؟
- ۴- خصوصیات پارک‌های معاصر چیست؟

### پیشینه موضوع

براساس برخی از اسناد، پیشینه طراحی باغ‌های ایرانی به دوره ایلامی‌ها می‌رسد (هیتس، ۱۳۷۱: ۱۲۴) و آثار برجای مانده در پاسارگاد حاکی از وجود باغی با طرح چهارباغ در آن است. در دوران اسلامی نیز باغ‌های متعددی در دوره‌های مختلف ساخته شده که در منابع تاریخی و ادبی به آن‌ها اشاره شده است.

اهمیت باغ در معماری و فرهنگ ایران موجب شده که همواره جای‌گاه ویژه‌ای برای آن در متون ایرانی در نظر گرفته شود. در بسیاری از متون ادبی از قرن‌های چهارم و پنجم هجری قمری می‌توان بعضی از ویژگی‌های باغ‌های ایرانی را که مورد توجه بسیاری از شعرا و ادبای ایرانی بوده است، یافت. یکی از مهم‌ترین و کهن‌ترین منابع باقی‌مانده درباره باغ ایرانی، دیوان عبدی بیگ شیرازی به نام *روضه‌الصفات* است که وی آن را در توصیف باغ‌های قزوین به دستور شاه طهماسب صفوی سروده است. این کتاب با مقدمه‌ای از ابوالفضل هاشم اوغلی رحیموف (۱۹۷۴) به چاپ رسید، بسیاری از ویژگی‌های باغ‌های ایرانی را می‌توان به‌خوبی در آن مشاهده کرد. دیوان دیگر این شاعر باعنوان، *دوحه‌الازهار* با مقدمه و تصحیح علی مینایی تبریزی و ابوالفضل هاشم اوغلی رحیموف (۱۹۷۴) نیز به توصیف بعضی از باغ‌های قزوین اختصاص دارد.

سفرنامه‌های بسیاری از سیاحانی که به‌ویژه از دوره صفویه به بعد به ایران آمدند و مدتی در ایران اقامت داشتند، از منابع بسیار خوبی به‌شمار می‌آیند که خصوصیات باغ‌های دوران صفوی و قاجار را می‌توان با بررسی آن‌ها مورد شناسایی قرار داد. شمار این سفرنامه‌ها اندک نیست و از میان آن‌ها می‌توان به *سفرنامه شاردن*، *سفرنامه کمپفر*، *سفرنامه مادام دیولافوا* و *سفرنامه اورسل* اشاره کرد.

در بعضی از سفرنامه‌ها و کتاب‌هایی که در دوران قاجار یا پس از آن توسط ایرانیان نوشته شده، مانند *سفرنامه سدیدالسلطنه*، *استرآبادنامه*، *یادداشت‌هایی درباره زندگانی خصوصی ناصرالدین‌شاه*، اطلاعاتی درباره برخی از باغ‌های ایرانی نهفته است. سندی نیز تحت عنوان *آیین ملک‌داری و زین‌داری در قرن نوزده* (ناطق، ۱۳۵۸)، درباره چگونگی اداره یک باغ در دوره قاجار موجود است که اطلاعات ارزش‌مندی درباره چگونگی تقسیم فضاها و روابط بین افراد و خدمه باغ و نحوه استفاده اقتصادی از باغ در آن منعکس شده است.

در دوره معاصر کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی درباره باغ‌های ایرانی تدوین گردیده است که در یک طبقه‌بندی ساده می‌توان آن‌ها را در دو گروه طبقه‌بندی کرد: نخست کتاب‌ها و مقالاتی که به‌صورت عمومی به باغ‌های ایرانی اختصاص یافته‌اند و دوم کتاب‌ها و مقاله‌هایی که در آن‌ها تنها به یک باغ یا باغ‌های یک شهر توجه شده است.

از میان منابعی که به‌صورت عمومی به باغ‌های ایرانی اختصاص یافته‌اند می‌توان به کتاب دونالد ویلبر (۱۳۸۳) با عنوان: *باغ‌های ایران و کوشک‌های آن*، هم‌چنین کتاب *باغ‌های ایران*، (سکویل وست، ۱۳۴۶) اشاره کرد که از قدیمی‌ترین و جامع‌ترین منابع در زمینه باغ‌های ایرانی به‌شمار می‌آید. بخش اول کتاب *تداوم طراحی باغ ایرانی در تاج‌محل* (سلطان‌زاده، ۱۳۷۸) نیز به طبقه‌بندی باغ‌ها از لحاظ کارکردی و کالبدی اختصاص دارد. هم‌چنین در سال ۱۳۸۳ سمیناری باعنوان، *باغ ایرانی به کوشش سازمان میراث فرهنگی کشور و موزه هنرهای*

معاصر برگزار شد که برخی از مقالات آن با عنوان، *باغ ایرانی* منتشر شد. کتابی نیز با همین عنوان *باغ ایرانی* (مقتدر و دیگران، ۱۳۸۳) منتشر شده است که در آن شمار قابل توجهی عکس و نقشه از تعدادی باغ چاپ شده است. هم‌چنین یک جلد از دانشنامه جهان اسلام، (۱۳۷۳)، مدخل باغ) به موضوع باغ اختصاص یافته است.

در زمینه کتاب‌هایی که در آن‌ها بیشتر به باغ‌های یک شهر پرداخته شده، می‌توان به کتاب پژوهشی در شناخت *باغ‌های ایران و باغ‌های تاریخی شیراز* (آریان‌پور، ۱۳۶۶) و کتاب طبس، شهری که بود (یعقوب دانش‌دوست، ۱۳۶۹) اشاره کرد. شمار قابل توجهی نیز مقاله در زمینه معرفی یک باغ یا در مورد مباحث عمومی مربوط به باغ‌ها منتشر شده است. هم‌چنین یک کتاب‌شناسی گزیده درباره باغ ایرانی نیز (بانی مسعود، ۱۳۸۳) در فصلنامه معماری و فرهنگ منتشر شده است که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

با وجود آن‌که شمار نسبتاً قابل توجهی کتاب و مقاله به باغ‌های ایرانی اختصاص یافته و باغ‌ها نسبت به سایر فضاهای معماری بیشتر مورد توجه قرار داشته‌اند، اما هنوز مباحث ناگفته درباره آن بسیار است، به‌ویژه موضوع چگونگی شکل‌گیری پارک در ایران که در بخشی از این مقاله به آن می‌پردازیم موضوعی است که هنوز توجه درخوری به آن نشده است.

## ۱. باغ و انواع آن

باغ در نواحی گرم و خشک سرزمین ایران به عنوان عالی‌ترین، بهترین و آرمانی‌ترین فضای معماری همواره مورد توجه مردم بوده است و به همین سبب نسبت به سایر فضاهای معماری و شهری بیشترین واژه‌ها و نام‌ها به آن اختصاص یافته است که از آن میان می‌توان به واژه‌های فارسی باغ، بوستان، گلستان، سروستان، تاکستان، چنارستان، گل‌زار، لاله‌زار، چمن‌زار، پالیز و ... و نیز واژه‌های عربی روضه، حدیقه، جنه و فردوس اشاره کرد.

در بعضی از واژه‌ها به چگونگی بعضی از جنبه‌های کالبدی باغ اشاره شده است، چنان‌که گفته شده در فارسی دری و میانه، واژه "باغ" به معنی پاره‌یا بخشی از زمین بوده و از ریشه واژه‌باستانی "بگ" (bag به معنی بخش کردن) گرفته شده و مصدر "بختن" در فارسی میانه و "بخشیدن" در فارسی نو (به معنی بخش کردن) از آن گرفته شده است (پروشانی، ۱۳۷۳: ۵۷۳). این واژه در دوره معاصر به معنی فضای سبز و محصور است که توسط انسان ساخته و فراهم شده باشد و به انواع بسیار گوناگونی از فضاهای سبز محصور، از جمله فضایی که تنها درختان میوه در آن قرار دارد، اشاره دارد. به همین ترتیب واژه‌های متعددی نیز به عنوان مصادیق چنین فضایی، ساخته شده که یا به گل به‌طور کلی (گلستان، گل‌زار) یا به گلی خاص (لاله‌زار) یا به نوعی درخت که بیشتر در یک باغ وجود داشت (چنارستان، سروستان)، اشاره

می‌کرده‌اند. در ایران باستان از واژهٔ پایریدازا (Pairidaeza) برای نامیدن باغ استفاده می‌شده است که از دو جزء پایری (Pairi) به معنی پیرامون و دیز (diz) به معنی محدود کردن تشکیل می‌شود. این واژه سپس به صورت پارادیزوس (Paradisos) به زبان یونانی و بعد از آن به بعضی از زبان‌های اروپایی مثل فرانسه و انگلیسی راه یافت. همین واژه در حال حاضر به صورت پردیس در زبان فارسی به کار می‌رود و گفته‌اند که فردوس، معرب آن است (ورجواند، ۱۳۷۳: ۵۸۵).

در نام‌گذاری واژه باغ و دیگر کلمه‌های مشابه آن بیشتر به نوع فضای سبز آن توجه شده و کارکرد کلی باغ و فضاهای ساخته شده و ساختمان‌های آن کمتر در نظر گرفته شده و برای جبران این موضوع در بسیاری از موارد از یک کلمه پسوند استفاده می‌شده است، مانند: باغ میوه، باغ دیوان‌خانه، باغ حرم، باغ اندرونی، باغ مزار.

#### ۱. انواع باغ از لحاظ کارکردی

باغ‌ها را از لحاظ کارکردی می‌توان حداقل به پنج‌گونه زیر طبقه‌بندی کرد:

**الف: باغ میوه، باغی است که تنها یا به طور عمده برای کاشت درختان میوه در نظر گرفته شده و هدف از ایجاد آن سود اقتصادی و بهره‌وری به سبب کاشت درختان میوه بوده است.** در بعضی از این‌گونه باغ‌ها، یک یا چند ساختمان کوچک برای سکونت باغ‌بان یا صاحب باغ ساخته می‌شد.

**ب: باغ سکونت‌گاهی** که باغ‌هایی را شامل می‌شود که برای ایجاد فضای سبز مناسب جهت سکونت، طراحی و ساخته می‌شدند و محل زندگی بسیاری از اعیان و رجال در این نوع باغ‌ها بوده است. وسعت، شمار و نوع طراحی ساختمان‌های درون این باغ‌ها به امکانات و توان اقتصادی مالک آن بستگی داشته است.

**ج: باغ سکونت‌گاهی - حکومتی، باغ‌هایی مخصوص سکونت پادشاهان و حکام بودند که به طور معمول بخشی از آن به سکونت‌گاه حاکم و گاه اطرافیان نزدیک او و بخش دیگر باغ به قسمت حکومتی و دیوانی اختصاص می‌یافت. در شهرهای بزرگ و پایتخت‌ها، سطح وسیعی به دارالحکومه و محل اقامت پادشاه یا حاکم اختصاص می‌یافت و در مواردی مانند دارالحکومه قزوین، مجموعه‌های دیوانی و سکونت‌گاهی از شماری باغ واقع در کنار یک‌دیگر تشکیل می‌شد.**

**د: باغ حکومتی، در بعضی از باغ‌های سکونت‌گاهی - حکومتی، بخش حکومتی، باغی بزرگ و نسبتاً مستقل داشت که از آن به عنوان باغ حکومتی یاد می‌کردند.**

**ه: باغ - مزار، باغی که در آن مقبره یک حاکم یا فردی عالی مقام قرار داشت. بعضی از این باغ‌ها از ابتدا به عنوان باغ - مزار طراحی و ساخته می‌شدند و در مواردی نیز یک باغ سکونت‌گاهی به باغ - مزار تبدیل می‌شد.**

## ۱.۲. انواع باغ از لحاظ محیطی

باغ‌ها از لحاظ محیطی که در آن قرار می‌گرفتند نیز متفاوت بودند. از این نظر آن‌ها را می‌توان به پنج گونه زیر طبقه‌بندی کرد:

**الف: باغ واقع در محیط هموار، بیشتر باغ‌های ایرانی به ویژه باغ‌های واقع در نواحی مرکزی و جنوبی کشور در محیط‌های نسبتاً هموار و با شیب اندک ساخته می‌شدند. شیب زمین این باغ‌ها به حدی بود که آب در جوی‌ها به سادگی جریان یابد. شیب این نوع باغ‌ها به گونه‌ای بود که برای سامان‌دهی فضای باغ نیازی به سکوبندی نباشد. باغ دولت‌آباد یزد و بسیاری از باغ‌های شیراز مانند باغ ارم و جهان‌نما از این گونه به شمار می‌آیند.**

**ب: باغ واقع روی تپه یا سطح بسیار شیب‌دار. در برخی از مکان‌های بسیار شیب‌دار یا روی بعضی از تپه‌ها که منظر، موقعیت و امکانات کافی برای تبدیل شدن به یک باغ را داشتند، فضای مزبور شکل می‌گرفت. باغ تخت شیراز و باغ شازده در ماهان را از این گونه باغ‌ها می‌توان به شمار آورد. خصوصیت اصلی این باغ‌ها را می‌توان سکوبندی محیط آنان دانست.**

**ج: باغ آبی، نوعی باغ است که عمارت کوشک آن را در میان آب‌گیر یا دریاچه‌ای کوچک می‌ساختند که با یک راه به سطح زمین و فضاهای سبز مجاور مرتبط می‌شد. کمبود آب در ایران موجب شده که شمار این نوع باغ‌ها در ایران معدود باشد. اشل‌گلی در تبریز و باغی که آثار آن در بهشهر باقی مانده، نمونه‌هایی از این گونه باغ‌ها هستند.**

**د: باغ - خانه، گونه‌ای از باغ است که به صورت یک باغ کوچک یا باغچه‌ای بزرگ به طور متصل به یک خانه اعیانی شهری ساخته می‌شد. در بیشتر موارد، در این گونه باغ‌ها، فضای سبز در یک سمت و بخش سکونت‌گاهی در سمت دیگر زمین طراحی و ساخته می‌شد. خانه پیرنیا در ناین نمونه‌ای از این گونه باغ - خانه‌ها به شمار می‌آید. بعضی از خانه‌های بزرگ اعیانی نیز چنین باغ‌هایی داشتند.**

**ه: باغ واقع در کنار رودخانه، بعضی از شهرهای قدیمی ایران در کنار یک رودخانه بزرگ شکل گرفته بودند. در بعضی از این شهرها باغ‌هایی در کنار رودخانه ساخته می‌شد که نحوه طراحی و سامان‌دهی آن‌ها با سایر باغ‌ها متفاوت بود. باغ آیینه در اصفهان را می‌توان از این گروه باغ‌ها به شمار آورد.**

### ۱.۳. انواع فضاهای ساخته شده در باغ‌های سنتی

**الف: عمارت سردر؛** در بیشتر باغ‌های طراحی شده، فضایی به عنوان فضای ورودی ساخته می‌شد که در مواردی نسبتاً وسیع و بزرگ بود و به صورت دو طبقه ساخته می‌شد و فضاهایی برای خدمه و کارکنان باغ یا کارکردهایی از این قبیل داشت. این فضا که در متون تاریخی به آن با عنوان "عمارت سردر" اشاره شده است، مهم‌ترین ساختمانی بود که نمای بیرونی آن طراحی می‌شد. در بعضی از باغ‌های حکومتی یا حکومتی - سکونت‌گاهی، عمارت سردر به یک ساختمان تشریفاتی یا دیوانی تبدیل می‌شد، مانند عمارت عالی‌قاپو در میدان نقش جهان در اصفهان که ابتدا تنها عمارت سردر ورودی مجموعه باغ‌های حکومتی بود و سپس به تدریج به یک ساختمان دیوانی تبدیل گردید.

**ب: عمارت کوشک؛** واژهٔ کوشک به طور معمول و بیشتر برای بناهایی به کار می‌رفت که به صورت برون‌گرا طراحی و ساخته می‌شدند و پیرامون آن‌ها فضای سبز و باز قرار داشت. با این حال در برخی از متون نیز به معنی ساختمان قصر یا کاخ، بدون توجه به شکل معماری آن به کار می‌رفته است (عمید، ۱۳۵۷: ۱۶۶۳). این جا منظور ما از عمارت کوشک، ساختمانی برون‌گرا است که به طور معمول در وسط باغ و به گونه‌ای ساخته می‌شد که پیرامون آن فضای باز قرار داشت و از چهار یا هشت جهت، به فضای سبز باغ، دارای دید و منظر بود. عمارت کوشک در بیشتر باغ‌ها به ویژه باغ‌های حکومتی جنبهٔ تشریفاتی و پذیرایی داشت.

**ج: عمارت اندرونی؛** در بسیاری از باغ‌ها به ویژه باغ‌های سکونت‌گاهی یا سکونت‌گاهی - حکومتی بخشی با عنوان اندرونی یا حرم، برای زندگی خانوادگی اختصاص می‌یافت و برای حفظ حریم خاص آن غالباً آن را در یک گوشه از باغ و متصل به یکی از بدنه‌ها می‌ساختند. این فضا در بسیاری از موارد دارای یک یا چند حیاط مرکزی نیز بود و طرح آن غالباً ترکیبی از طرح‌های درون‌گرا و برون‌گرا بود و به این ترتیب ساکنان این بخش، هم از منظر باغ و فضاهای سبز آن استفاده می‌کردند و هم حیاط و فضای باز درونی و محفوظ خاص خود را داشتند (سلطان‌زاده، ۱۳۷۸: ۴۵).

**د: فضاهای خدماتی و جنبی؛** در بیشتر باغ‌های بزرگ، بعضی از فضاهای خدماتی و جنبی مانند فضایی برای اقامت کارکنان، اصطبل، حمام و جای‌خانه و مانند آن وجود داشت که از لحاظ وسعت و کاربرد متناسب با وسعت باغ، منزلت و شمار ساکنان باغ طراحی و ساخته می‌شد. موقعیت این گونه فضاهای نسبت به عرصه‌ها ثابت و یکسان نبود و در هر باغ متناسب با شکل زمین، انواع فضاهای درون باغ و شبکهٔ ارتباطی پیرامون باغ، در تقاطعی مناسب طراحی و ساخته می‌شدند.



## ۲. عناصر و خصوصیات باغ ایرانی

وجود اقلیم‌ها و محیط‌های طبیعی بسیار متنوع در سرزمین پهناور ایران موجب شده که بتوان به رغم وجود وجوه اشتراک در برخی از اصول اساسی در طراحی باغ‌های ایرانی، ترکیب کلی و شکل عمومی آن‌ها را به چند گونه دسته‌بندی نمود. برخی از ویژگی‌ها و اصول مزبور به شرح زیر هستند:

### ۲.۱. عناصر و پدیده‌های موجود در باغ

عناصر و پدیده‌های موجود در باغ‌های ایرانی را در یک دسته‌بندی ساده می‌توان به چهار گروه ساختمانی، آبی، گیاهی و ارتباطی تقسیم کرد. آشکار است که شمار، اندازه، موقعیت و سایر خصوصیات هر یک از این عناصر و پدیده‌ها، به عوامل بسیار متنوعی از جمله به کارکرد اصلی باغ و خصوصیات محیطی که در آن قرار گرفته، دوره تاریخی طراحی و ساخت باغ، موقعیت و منزلت اقتصادی - اجتماعی مالک و استفاده کنندگان از آن، بستگی داشته است.

**الف: عناصر و پدیده‌های ساختمانی:** چنان‌که در بخش انواع فضاهای ساخته شده در باغ‌های سنتی اشاره شد، در بیشتر باغ‌های سنتی و به‌ویژه در باغ‌های سکونت‌گاهی بزرگ که از یک فضای یک‌پارچه تشکیل می‌شدند، سه نوع ساختمان اصلی به نام‌های: عمارت سردر، عمارت کوشک و عمارت اندرونی به‌طور معمول وجود داشت؛ مانند باغ فین در کاشان که هر سه نوع فضای فوق در آن شکل گرفته و در کنار فضای باغ نیز فضاهایی جنبی و خدماتی ساخته شده بود.

ساختار فوق در باغ‌هایی که به‌صورت مجموعه‌ای از باغ‌های متنوع و متعدد شکل می‌گرفتند، رعایت نمی‌شد، زیرا در این‌گونه مجموعه‌ها که غالباً به پادشاه یا حاکم تعلق داشتند، به‌طور معمول هریک از بخش‌های کارکردی در یک باغ که از باغ‌های دیگر متمایز بود، قرار داده می‌شد. برای مثال، در یک باغ اعیانی، فقط قسمتی از فضای ساخته شده در یک سمت باغ به بخش اندرونی اختصاص می‌یافت، درحالی‌که در مجموعه‌های بزرگ غالباً یک باغ محصور را به‌صورت جداگانه به بخش اندرونی اختصاص می‌دادند. چنان‌که در مجموعه باغ‌های واقع در اشرف (بهشهر)، یک باغ متمایز به نام باغ خلوت به بخش اندرونی یا حرم‌خانه اختصاص یافته بود. هم‌چنین براساس دیوان عبدی بیگ آشکار است که در مجموعه باغ‌های قزوین در دوره صفویه، یک باغ به بخش حرم‌خانه اختصاص داشته است. به‌همین ترتیب در بعضی از مجموعه‌های حکومتی به‌جای عمارت کوشک که در یک باغ اعیانی هم به میهمانی‌های خانوادگی و هم به بعضی مراسم تشریفاتی اختصاص می‌یافت، یک باغ

تشریفاتی خاص ایجاد می‌شد. در این رابطه برای مثال می‌توان به عمارت و باغ چهل‌ستون اصفهان اشاره کرد که جنبه تشریفاتی و پذیرایی، به‌ویژه برای مراسم رسمی و حکومتی داشت. نکته مهم دیگر این است که از دوره قاجار به بعد به تدریج در بعضی از باغ‌های اعیانی یا به عبارت دیگر باغ‌های سکونت‌گاهی مربوط به اعیان و رجال، به جای احداث دو بخش ساختمانی اندرونی و کوشک، ترجیح دادند که یک ساختمان بزرگ به‌عنوان اندرونی و محل زندگی بسازند که ایده طراحی معماری آن مانند عمارت کوشک بود. یعنی آن را در قسمتی از میانه باغ و به نحوی می‌ساختند که در چهار طرف آن فضای باز و سبز باغ قرار داشت. این اقدام بیشتر به سبب تغییر در الگوهای رفتاری، نگرش و بینش بعضی از اعیان و رجال و تحت تأثیر نوعی زندگی جدید با توجه به الگوها و رفتارهای غربی صورت گرفت. بسیاری از باغ‌های شیراز مانند باغ ارم، باغ دلگشا و باغ غنیف‌آباد از این‌گونه هستند.

**ب: عناصر آبی:** آب را می‌توان مهم‌ترین عنصر و پدیده‌ای دانست که در شکل‌گیری یک باغ در ایران نقش و اهمیت اصلی داشته، زیرا کمبود آب در بسیاری از نواحی ایران به ویژه مناطق مرکزی و جنوبی، امکان شکل‌گیری هرگونه فضای سبز و از جمله باغ را دشوار می‌ساخت و وجود هر باغ در این مناطق حاکی از وجود یک منبع آب مناسب و دائمی بود. کمبود آب و خشکی هوا در بسیاری از مناطق ایران موجب شده که به نمایش گذاشتن آب افزون بر دلایل اقلیمی و کارکردی، به سبب جنبه‌های زیبایی‌شناسانه و آیینی آن، به صورت ملموس و بارزی همواره مورد توجه قرار گیرد.

در ساده‌ترین حالت، حداقل یک حوض، آبگیر و منبع آب در جلوی عمارت کوشک و یک جوی آب با شماری فواره در یک باغ وجود داشت که جریان آب از طریق آن‌ها در باغ به گردش در می‌آمد و افزون بر ایجاد رطوبت و لطافت، آب به جوی‌ها و کرت‌ها می‌رسید و درختان سیراب می‌شدند.

در باغ‌های بزرگ و مجلل از حوض‌های متعدد و چند ردیف جوی در مسیرهای گوناگون با فواره‌های فراوان استفاده می‌شد و با ساخت شماری آبشار کوچک و متوسط، جریان آب به زیباترین و متنوع‌ترین شکل‌های ممکن به نمایش گذاشته می‌شد.

در بعضی از باغ‌های واقع بر روی تپه‌ها یا سطوح بسیار شیب‌دار با ساختن حوض‌ها و آبشارهای متعدد، از جریان آب به زیباترین حالت ممکن استفاده می‌کردند. باغ شازده در ماهان از نمونه‌های این‌گونه باغ‌ها به شمار می‌آید. باغ‌های آبی، یعنی باغ‌هایی که کوشک آنها در وسط یک آبگیر یا دریاچه کوچک ساخته می‌شد، غالباً بیشترین تجلی آب در باغ را به نمایش می‌گذاشتند.

**ج: عناصر گیاهی:** انواع گیاهان مورد استفاده در هر باغ در وهله نخست به کارکرد باغ و موقعیت جغرافیایی - اقلیمی و منطقه‌ای که باغ در آن قرار داشت، وابسته بود. در باغ‌هایی که

موضوع بهره‌وری اقتصادی از آن‌ها مطرح بود، بیشتر از درختان میوه و انواع صیفی‌جات استفاده می‌کردند، درحالی‌که در باغ‌های تشریفاتی یا حکومتی بیشتر از درختان سایه‌دار و تزئینی بهره می‌بردند.

به طور معمول درختان بلند سایه‌دار در پیرامون باغ و در دو سوی راه (خیابان) اصلی کاشته می‌شد. در کنار جوی‌هایی که آب را به کرت‌ها (سطوح تقسیم شده فضای باز باغ که در آن‌ها درخت و سایر گیاهان کاشته می‌شد) می‌رساند، درخت کاشته می‌شد که سایه آن‌ها از تبخیر شدید آب در اثر تابش خورشید جلوگیری کند و ریشه آن‌ها از مقدار آبی که در زمین نفوذ می‌کرد، استفاده کند و در نهایت موجب تلطیف هوا شود.

در برخی از متون قدیمی مربوط به باغ‌داری درباره چگونگی درخت‌کاری و گل‌کاری نکات و توصیه‌هایی نوشته می‌شده است، از جمله در کتاب *ارشاد الزارعه*، (اوایل قرن دهم هجری قمری)، در این مورد چنین نوشته شده است: «طرح آن است که گرد چهار باغ را از پای دیوار سه زرع گذاشته بعد از آن یک زرع جوی سازند و کنار جوی که از جانب دیوار است، سفیدار سمرقندی نزدیک یکدیگر کارند که خوش نماست... و جانب دیگر جوی که آن نیز حاشیه است، سوسن مناسب است و سه زرع دیگر غرق که راهرو است گذرانند و بعد از آن یک زرع دیگر جهت جوی و جانب غرق را بر حاشیه سوسن کاشته... و در هر دو کناره شاه‌جوی مذکور، غرق جهت راهرو گذاشته بعد از آن جهت سه برگه جا ترتیب نمایند و بر هر جانب سه برگه در مرتبه علیا، چهار چمن جدا نموده، چمن اول انار، چمن دوم بهی، سوم شفتالو و شلیل و چهارم امروود باشد، بعد از چهار چمن، باغچه‌ها ترتیب نموده، باغچه اول پنبه کبود و ایلیچی سوسن و گل زیبای صدبرگ و سورنجان، باغچه دوم، زعفرانی و نرگس و گل زیبای رسمی،... در پایان باغچه‌ها از جانب شرقی و غربی نسترن و قرینه آن در شمال حوض دو بوته نسترن دیگر بکارند» (هروی، ۱۳۵۶: ۲۸۱).

## ۲.۲. چگونگی سازمان‌دهی فضای باغ ایرانی

اصول طراحی باغ‌های سنتی ایران کما بیش همانند سایر انواع فضاهای معماری ایرانی بوده است. اصل سلسله مراتب را در عرصه‌بندی فضاهای باغ به بخش سردر، کوشک و اندرونی می‌توان ملاحظه کرد. اصل محور در طراحی همه باغ‌ها کمابیش رعایت می‌شد و تجلی آن به این صورت بود که تقریباً همه باغ‌ها حداقل دارای یک محور اصلی بودند که غالباً عمارت سردر را به عمارت کوشک مرتبط می‌ساخت و خیابان اصلی باغ را با حوض‌های متعدد و جوی اصلی شکل می‌داد. در صورتی که شرایط و امکانات محیطی که باغ در آن

طراحی و ساخته می‌شد، میسر بود، ترجیح می‌دادند که این محور شمالی - جنوبی باشد (همان: ۲۸).

اصل تقارن در بسیاری از باغ‌های طراحی شده چه در طراحی ساختمان و چه در طراحی فضاهای سبز رعایت می‌شد. رعایت کامل این اصل به خصوصیات محیطی باغ، کارکرد اصلی و کارکردهای جنبی و همچنین انواع فضاهای ساخته شده در باغ بستگی داشت. در طراحی ساختمان کوشک غالباً آن را به صورت برون‌گرا در نظر می‌گرفتند که بیشترین منظر باغ در پیرامون آن باشد، درحالی که ساختمان اندرونی را به طور معمول به صورت درون‌گرا یا در برخی موارد با طرحی ترکیبی که بخشی از آن به صورت درون‌گرا و بخش دیگری به صورت برون‌گرا بود، طراحی می‌کردند. چگونگی استقرار فضاهای ساخته شده در هر باغ افزون بر نوع کارکرد اصلی باغ، به شرایط محیطی آن نیز بستگی داشت. افزون بر ویژگی‌های فوق، می‌توان وجود یک شبکه هندسی شطرنجی شکل را که در آرمانی‌ترین و بهترین حالت به صورت طرح یک چهارباغ با پلان مربع شکل یا سطحی مستطیل شکل که به دو یا چند بخش مربع شکل تقسیم شده، تجلی می‌یافته، از خصوصیات بسیار مهم باغ‌های ایرانی دانست.

### ۳. جای‌گاه باغ در اندیشه و فرهنگ ایرانی

درباره اندیشه و نگرش ایلامی‌ها در مورد جهان آخرت، اسناد و اطلاعات کافی و روشن در دسترس نیست، اما براساس متون و برخی از نگاره‌های باقی‌مانده از آن‌ها، آشکار است که به باغ و فضاهای سبز بسیار اهمیت می‌دادند. چنانچه در مجموعه عرصه‌های مقدس و معبد شهر شوش، باغی نیز قرار داشته است (هینتس، ۱۳۷۳: ۱۲۶).

چگونگی اندیشه مهرپرست‌ها نیز درباره جهان دیگر چندان روشن نیست و آن‌چه از برخی متون زرتشتی آشکار است، نشان می‌دهد که آن‌ها بهشت را به صورت عرصه‌ها یا طبقه‌هایی در بالای زمین یا به عبارت دیگر در آسمان تصور می‌کردند که ماهیت وجودی آن بیشتر نورانی بوده (بهار، ۱۳۸۱: ۲۸۱) اما به صورتی روشن به فضای سبز و باغ در بهشت اشاره نشده است. البته در شاهنامه فردوسی اشاره شده که مزار رستم را در باغی ساختند و این نکته شاید نمایان‌گر توجه به وجود نوعی باغ‌مزار در برخی از دوره‌ها یا بعضی از نواحی در ایران باستان باشد و این که مخالفت روحانیان زرتشتی با دفن اجساد در زمین و ساختن مقبره و آرام‌گاه، همه نواحی و همه دوره‌های پیش از اسلام را در بر نمی‌گرفته است.

به هر ترتیب وجود هرگونه اندیشه و نگرش نسبت به جهان آخرت در دوران پیش از اسلام، مانع از توجه به فضای باغ و باغ‌سازی در شهرهای آن دوران نبود، چنان‌که آثاری از باغ‌های پارسارگاد به دست آمده است یا درخت‌های کاج و سرو که در حجاری‌های دوره

هخامنشی مورد توجه بوده است، همه حاکی از اهمیت درخت و فضای سبز در آن دوران می‌باشد، زیرا شرایط محیطی گرم و خشک بیشتر نواحی مرکزی کشور و کمبود آب در بسیاری از نواحی ایران موجب اهمیت یافتن فضاهای سبز و باغ‌ها می‌شد.

در دوران پس از اسلام اعتقاد به سکونت آدم و حوا در بهشت، قبل از هبوط آنان به زمین از یک سو، و اعتقاد به رفتن نیکوکاران به بهشت در آخرت از سوی دیگر سبب گردید که باغ به سبب بعضی از هماندهای آن به بهشت، چنان‌که برخی از خصوصیات آن در قرآن کریم بیان شده است، (مانند آیه جنات تجری من تحت‌الانهار و مانند آن) باعث شد که باغ از لحاظ آیینی و فرهنگی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد و نمادی از بهشت دانسته شود طوری که در بسیاری از متون کهن نیز به این نکته اشاره شده است. در کتاب *ارشاد الزراعه* (قرن دهم هجری قمری) در این مورد چنین آمده است: «... و چون روح در قالب آدم دمیدند و از روی تعظیم مسجود ملائکه گشت، حوا از پهلوی وی آفریده و مونس روزگار وی ساختند و فرمان در رسید که ای آدم اسکن انت و زوجتک الجنه ساکن شو، تو و زوجه تو در بهشت و بخورید از همه میوه‌های وی خوردن بسیار، هر جا که خواهید، از هرگونه لباس بپوشید و از هر لون طعام بنوشید و گرد درخت گندم یا انگور یا کافور یا شجره‌العلم که درختی بوده است در وسط فردوس، جامع ثمرات لطیفه و مطعومات طیبه و هر که از وی بخوردی، نیک و بد، بدانستی [مگر دید] پس آدم و حوا در بهشت آرام گرفتند و ابلیس بر حال ایشان رشک برده به وسیله طاووس و مار به بهشت درآمد و انواع حيله و وسوسه پیش آورده به سوگند دروغ آدم و حوا را فریب داد تا از شجره منهیه تناول نمودند... و فرمان رسید که از بهشت بیرون روید (هروی، ۱۳۵۶: ۳۵ و ۳۶).

به همین سبب در بسیاری از منابع تاریخی که به توصیف یک باغ بزرگ پرداخته شده، غالباً آن را همانند بهشت یا باغ بهشت دانسته‌اند. برای نمونه می‌توان به اشعار عبدی بیگ (۱۹۷۴: ۹۷) درباره باغ دیوان‌خانه و باغ حرم در شهر قزوین متعلق به دوره صفویه اشاره کرد که چنین سروده است:

ز یک سو باغ دیوان‌خانه در پیش	که از باغ ارم صدره بود بیش
هوا و آیش از دل می‌برد زنگ	درختانش فلک را می‌دهد رنگ
دماغ از بوی گل‌هایش معطر	ریاحینش ربوده هوش از سر
ز بستان بهشت او را دلیلی	که از هر سوی دارد سلسبیلی
گلستان حرم از سوی دیگر	که با باغ بهشت آمد برابر

هم‌چنین در کتاب *تاریخ جدید یزد* (قرن نهم هجری قمری) در وصف باغ امیر شاه، آن را به فردوس و باغ ارم تشبیه کرده‌اند:

این قصر بی‌نظیر که منظور عالم است چون چرخ برکشیده و چون خلد خرم است

بر خلق صد هزار در از فرحی بگشاد  
 گویی در او مفسر ح ارواح مسد غم است  
 بر بساد داد آب رخ عرصه ارم  
 باغش که چون حدیقه فردوس درهم است

می‌توان گفت که اهمیت آیینی و مفهوم نمادین آن از علل مهمی بود که موجب شد در دوره اسلامی به تدریج گونه‌ای از مزارها که در درون باغ طراحی و ساخته می‌شدند، شکل گیرد. مزار سلطان محمود غزنوی در باغ فیروزی که به وصیت او ساخته شد، به همین دلیل به صورت یک باغ - مزار شکل گرفت (بیهقی، ۱۳۵۶: ۳۳۵) از آن دوره به بعد، برخی از مزارها به صورت باغ - مزار طراحی و ساخته می‌شدند، و این نکته منجر به کاربرد طرح‌ها و اعداد نمادین در ساخت و طراحی این نوع از فضاها شد، چنان‌که یکی از نمادین‌ترین طرح‌های معماری ایران یعنی چهارباغ با طرح هشت بهشت که نمادین‌ترین و پیچیده‌ترین طرح معماری در جهان اسلام در دوران گذشته به‌شمار می‌آید، با هم در بعضی از عالی‌ترین باغ - مزارها به‌کار رفتند.

اوج نمادپردازی در طراحی باغ - مزارها را می‌توان در تاج‌محل مشاهده کرد که ترکیبی از چهار عرصه است که در هر کدام از آن‌ها از عدد چهار چند مرتبه استفاده شده است. یکی دیگر از ویژگی‌های بسیار مهم باغ‌های ایرانی، کاربرد خطوط متقاطع و شطرنجی شکل در تقسیم‌بندی فضاهای باز و عرصه‌های سبز آن است و به‌ندرت اتفاق می‌افتاد که از خطوط منحنی شکل محیط طبیعی یا خطوط منحنی شکل به‌صورت مصنوع استفاده کنند. حتی در مواردی که باغی را در محیطی طبیعی و بر روی تپه طراحی و احداث می‌کردند، ترجیح می‌دادند عرصه آن را با خطوط مستقیم سکوبندی کنند. مجموعه باغ‌های دوره صفویه در اشرف (بهبهر) یا باغ تخت در شیراز از نمونه‌های این اقدام به‌شمار می‌آیند.

خصوصیت مهم دیگر باغ‌های ایرانی، محصور بودن آن‌هاست. به‌گونه‌ای که حتی در مواردی که چند باغ به صورت متصل به هم ساخته می‌شدند، ترجیح می‌دادند که آن‌ها را متناسب با نوع کارکردشان محصور و از یکدیگر جدا نمایند، به‌گونه‌ای که هر کدام از آن‌ها به‌صورت مستقل از یکدیگر قابل استفاده باشند.

#### ۴. آغاز تجدد در طراحی باغ

##### ۱.۴. اقتباس از فرنگ

در دوره قاجار تقلید و اقتباس از معماری غرب در چند سطح صورت می‌گرفت. نخست کاربرد برخی از عناصر در نمای بنا مانند کاربرد ستوری مثلثی شکل یا انواع ستوری گرد و هلالی به‌صورت منفرد یا ترکیبی؛ استفاده از انواع سرستون‌های غربی مانند سرستون‌های دوریک، ایونیک، کورنتی و توسکان؛ کاربرد قوس‌های نیم دایره و برخی از انواع ترکیب‌های

غربی در درگاه‌ها و پنجره‌ها و استفاده از برخی از ترکیب‌بندی‌ها در طراحی نما مانند استفاده از آجرهای سنگ نما و مانند آن.

در طراحی داخلی برخی از ساختمان‌ها نیز از طرح‌ها، الگوها و عناصر غربی استفاده می‌شد. برای نمونه از کاغذ دیواری، طرح‌ها و نقاشی‌هایی از افراد، ساختمان‌ها و مناظر غربی برای تزئین سطوح و فضاهای داخلی بهره می‌بردند. حتی در معدودی از بناها، از مبلمان خارجی استفاده می‌کردند.

در شماری از بناهای متعلق به اعیان و رجال از طرح‌های غربی نیز استفاده می‌شد و به این ترتیب تعدادی از بناها به طور کامل با نقشه، نما و ترکیب حجمی اروپایی یا روسی طراحی و ساخته شدند. در *المآثر و الآثار* درباره قصر یاقوت چنین آمده است: "... و دیگر قصر یاقوت است مشتمل بر اساس‌های حصین بر نقش خورنق مشحون بر اثاث‌های ثمین و فرش ستبرق که در منزل گاه سرخ حصار به سرکاری و مباشرت معتمد السلطان میرزا محمدخان سرتیپ گروسی پیش خدمت خاصه حضور مهر ظهور انشاء شد و احداث گردیده و این قصر مرکب است از دو قسمت، قسمتی مشهور به کوشک بیرونی که به طرز عمارات بیلاقی فرنگی در نهایت امتیاز ساخته شده، قسمت دیگر حرم‌خانه و اندرونی که به فاصله صد زرع از اولی به سمت مشرق آن بنا گردیده و متجاوز از دویست یورت مسکون دارد و به ابنیه سلاطین صفویه شبیه افتاده" (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۸۶).

نکته قابل توجهی که در عبارات فوق مشاهده می‌شود، اشاره مؤلف به این پدیده است که تقلید از عمارات فرنگی در ساختمان کوشک بیرونی صورت گرفته و عمارت حرم‌خانه و اندرونی به سبک بناهای دوره صفویه ساخته شده است. این نکته به دو سبب بوده است: نخست، این که بسیاری از ساختمان‌های عمومی و ویلایی اروپایی و روسی که مورد توجه معماران یا کارفرمایان ایرانی بودند، طرحی برون‌گرا داشتند و به همین دلیل در ساختمان‌های سکونت‌گاهی یا تشریفاتی و گاه اداری اعیان و رجال که آن‌ها نیز در بیشتر موارد در درون باغ‌ها و فضاهای سبز ساخته می‌شدند، مورد اقتباس قرار می‌گرفتند. دومین نکته در درون‌گرا ساختن عمارت حرم یا اندرونی، از یک سو حفظ محرمانیت در آن و تمایز آن از سایر فضاهای واقع در پیرامونش و از سوی دیگر روحیه سنتی حاکم بر فضای زیستی آن بوده است. اما در مواردی نیز ملاحظه شده که عمارت سکونت‌گاهی بعضی از رجال به صورت برون‌گرا طراحی و ساخته می‌شده است. عمارت خواب‌گاه نمونه‌ای از این نوع بناها به شمار می‌آید که درباره آن چنین نوشته شده است: "... این عمارت مبارکه که به وضع و طرح یکی از عمارات بسیار خوب فرنگستان است، دو سال قبل به توسط جناب جلالت ماب امین‌السلطان وزیر اعظم داخله و مالیه و دربار اعظم در عمارت و حیاط فسیح فضای حرم‌خانه جلالت که شش هفت سال قبل صورت و شرح بنای آن در روزنامه شرف مرقوم و مسطور شد، بنا شده است. این

عمارت بدیع‌الوضع خواب‌گاه که عمارت مجرد منفردی است مایل به طرف شمالی حیاط حرم‌خانه مبارکه بنا شده و چهار طرف آن مفتوح و منفعل از ابنیه دیگر است مشتمل بر سه مرتبه و دارای وضع و هیئتی خوش که هنوز بدین وضع مخصوص بنای قصری در عمارات مبارکه سلطنتی نشده بود" (شرف و شرافت، ۱۳۶۳: ۱۴۵).

ساختمان صاحبقرانیه نیز از عمارت‌هایی بود که در طراحی و ساخت آن از بناهای غربی الهام گرفته بودند و در روزنامه شرف درباره آن مطالبی نوشته شده و از جمله به موضوع طرح آن چنین اشاره شده «به وضع عمارات مرغوبه دول اروپا» (همان: ۷۵). طرح و نقشه این ساختمان به صورت خطی است و راستای آن در امتداد شرقی - غربی می‌باشد، ساختمان دو نمای اصلی و دو منظر وسیع دارد. یکی در جبهه جنوبی و رو به شهر و دیگری در جبهه شمالی و رو به کوهستان داشته است. در گذشته چشم‌انداز بسیار گسترده و وسیعی در جلوی دو جبهه اصلی ساختمان وجود داشت که امروز با احداث برخی ساختمان‌ها از گستردگی آن کاسته شده است.

طرح عمارت شمس‌العماره نیز که در سال ۱۲۸۴ هـ. ق. ساخته شده، از بناهای اروپایی اقتباس شده و در برخی از متون دوره قاجار به آن اشاره شده است، به عنوان مثال در *المآثر و الآثار* چنین نوشته شده است: «بنیان و بنیاد کوشک مبارک معروف به شمس‌العماره که از عظیم آثار این شهریار و امتیازش بر جمیع ابنیه طهران بلکه ایران زمین *اظهر من الشمس* است و مشتمل بر طبقات خمس و این یادگار... به دست یاری دوستعلی خان معیرالممالک به سبک قصور عمارات فرنگستان طرح ریخته و پرداخته و بنا برداشته و افرخته شده است» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۰۵).

#### ۲.۴. معماران غربی و ایرانیان تحصیل کرده در اروپا

یکی از عوامل گسترش غرب‌گرایی در معماری ایرانی، حضور محدودی از معماران اروپایی در ایران و طراحی و ساخت بعضی از ساختمان‌ها توسط آن‌ها بوده است که در مواردی به الگویی برای دیگران تبدیل می‌شده است. ممتحن‌الدوله در بخشی از کتاب خود که به تهیه طرحی برای بناهای پیرامون میدان ارگ اشاره کرده، به حضور چند نفر از معماران اروپایی برای ارزیابی طرح خود چنین اشاره کرده است: «یکی پیرسن صاحب مهندس که طراح و آرشیکت سفارت انگلیس و دومی گاستگرخان مهندس اتریشی که سال‌ها داخل خدمت دولت ایران گشته و به لقب‌خانی سرافراز آمده بود و سومی بهلر صاحب مهندس فرانسوی که مستشار مهندسی نظام و از مدرسه دارالفنون پاریس بیرون آمده بود. همه این



مهندسين به وزارت فوائد عامه دعوت گشتند و نقشه‌های بنده را با دقت کامل رسيدگي کرده بودند» (ممتحن الدوله، ۱۳۶۲: ۱۱).

گويا برخی از رجال و سران مهم سياسي کشور طرح بعضی از ساختمان‌ها را به معماران غير ايراني می‌دادند و در مواردی نیز همکاري نزديکی با آن‌ها داشتند. برای نمونه می‌توان به نکته‌ای که در کتاب *ايران امروز* آمده اشاره کرد که درباره معمار سردر باغ شمال در تبريز چنین نوشته است: «این باغ نیز از یادگارهای دوران عباس میرزا است ولی اخیراً آقای بورژوا، معمار ولیعهد، سردر باشکوهی به آن اضافه کرده و از آنجا وارد باغ می‌شوند» (اوبن، ۱۳۶۲: ۶۰).

معماران و مهندسان ايراني که در اروپا تحصیل کرده و به ايران بازگشته بودند، غالباً مروج فرهنگ معماری غرب بودند. در این رابطه برای نمونه می‌توان به میرزا مهدی‌خان ممتحن‌الدوله شقاقی اشاره کرد که پس از تحصیل در فرانسه به ايران بازگشت و طراحی چند ساختمان و نیز قسمت‌هایی از چند عمارت را انجام داد. توضیح او در مورد طراحی پله‌های خانه امین‌الدوله گویای اشتیاق گروهی از افراد جامعه برای استفاده از عناصر و شکل‌های معماری غربی است. او در این مورد چنین نوشته است: «مرحوم امین‌الدوله عمارتی عالی در نزديک محله پامنار تعمیر می‌نمود و عمارت تقریباً رو به اتمام بود. برای ساختن پله‌های آن عمارت که به اطاق‌های فوقانی بایستی مربوط شود، معطل ماندند. چندین نقشه از مهندسين و معماران اروپایی و فرنگی طرح گشته بود که هیچ یک مقبول مرحوم محمودخان ناصرالملک که امین‌الدوله به دستور او مأمور ساختن و تعمیر عمارت بود، نگشته بود. به راهنمایی مرحوم حسنعلی‌خان امیرنظام گروسی از بنده دعوت نمود که طرحی شبیه به راه‌پله‌های عمارت سلطنتی بوکینگهام‌پاله لندن کشیده و به آن‌ها ارایه دهم. من هم چون آن کاخ سلطنتی معظم لندن را دیده بودم، نقشه را کشیده دادم. بسیار مورد قبول و پسند افتاد و مبلغی از بابت حق‌الزحمه به من داد» (ممتحن‌الدوله، ۱۳۶۲: ۲۸۲).

#### ۳.۴. باغبان‌های فرنگی

در طراحی فضای سبز بعضی از باغ‌هایی که با الگوهای فرنگی طراحی و ساخته می‌شدند از باغبان‌های فرنگی نیز استفاده می‌کردند. در باغ کامرانیه که به وزیر جنگ تعلق داشت، چند باغبان فرنگی استخدام شده بودند. در این مورد چنین گزارش شده است: «انواع اشجار بارور و بی‌بار و مرکبات بسیار و ریاحین و گل‌های مختلف و نباتات و فواکه غریبه از قبیل آناناس و غیره از ممالک و بلاد خارجه تحصیل و در قطعات مختلفه بدیع‌الوضع طبیعی نما و گرم‌خان‌های متعدد متفاوت‌الهو که با هواهای خرفی و ربیعی و اراضی اصلی و

طبیعی آن نباتات و ریاحین موافق است، کاشته و عمل آورده و باغبان‌های فرنگی که در فسن فلاح و گل‌کاری کمال مهارت را دارند، اجیر و مستخدم فرموده که همیشه با عمله‌جات بسیار در این باغ مشغول باغبانی و گل‌کاری هستند» (شرف و شرافت، ۱۳۶۳: ۲۴۶).

در عمارت امیریه نیز از باغبان‌های فرنگی برای حفظ و نگهداری فضای باغ استفاده می‌شد. در این رابطه گفته شده: «باغ وسیع‌الفضا و قصر رفیع‌البنای امیریه که چند سالی است نواب مستطاب اشرف والا نایب‌السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ دولت علیه برحسب سلیقه و توجهات دقیق خودشان در طرف غربی شهر دارالخلافه بنا فرموده‌اند باغی است در کمال عظمت و فسحت مشجر به انواع اشجار بارور و مزین به اقسام گل‌ها و ریاحین معطر که به دست‌یاری مهندسين قابل و کشت‌کاری باغبانان ماهر از فرنگی و ایرانی انواع خیابان‌ها و قطعات مختلف‌الشکل از مستطیل و مستدیر و قوسی و لوزی و بیضی، ساخته و طرح انداخته» (همان: ۲۸۰).

#### ۴.۴. چگونه شکل‌گیری پارک

طراحی و شکل‌گیری پارک‌ها به گونه‌ای بود که در همان دوره قاجار کمابیش مردم و به‌ویژه رجال و بزرگان تفاوت آن را با باغ می‌دانستند و آشکار بود که اعیان و رجال، بیشتر سفارش‌دهنده و مالک این‌گونه فضاهای سبز بودند. سدیدالسلطنه در سفرنامه خود درباره مشاهده یکی از پارک‌های تهران چنین اظهار کرده است: «مرور رقتیم به پارک وزیر دفتر که نزدیک منزل ما است. غرس اشجار باغ مزبور در حیات میرزا هدایت وزیر دفتر بوده است. حال وسط باغ میرزا حسین وزیر دفتر پسر مرحوم میرزا هدایت عمارت خوبی بنا کرده است، هنوز تمام نیست. دو جانب عمارت دریاچه کوچکی و دو حوض بیضی شکلی ساخته شده است. خالی از صفا و نزهت نبود. در طهران به باغات مخصوص اعیان بلد پارک می‌گویند» (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۱۳۴). هم‌چنین در توصیف فضای سبز قصر یاقوت چنین نوشته شده است: «باغ آن‌جا به وضع پارک و زیاده با صفا و بدیع‌الوضع است» (شرف و شرافت، ۱۳۶۳: ۳۱۶).

یکی از ویژگی‌های بسیار مهم و شناخته شده پارک‌های طراحی شده، استفاده از خطوط منحنی شکل در طراحی فضای سبز بود. برخلاف باغ‌های سنتی ایران که همواره از خطوط مستقیم و مقاطع عمود برهم در طراحی فضای سبز استفاده می‌شد. در بعضی از این پارک‌ها (مثل پارک امیریه) از تپه‌های مصنوعی کوچک برای ایجاد فضای سبز استفاده می‌شد. درباره چگونگی طراحی یکی از این فضاهای سبز چنین آمده است: «انواع خیابان‌ها و قطعات مختلف‌الشکل از مستطیل و مستدیر و قوس و لوزی و بیضی ساخته و طرح انداخته و دریاچه

و جزیره و تپه‌های طبیعی نما و گرم‌خانه و جداول انهار و فواره و آبشار به طرزهای موزون و وضع‌های گوناگون احداث نموده» (همان: ۲۸۰).

به تدریج در چند باغ و پارک از مجسمه نیز، به صورت مجرد یا در ترکیب با فضای معماری، استفاده کردند. در کتاب *المآثر و الآثار* درباره مجسمه‌سازی نکاتی آورده شده، از جمله آن‌که «صنعت مجسمه‌سازی در ایران نبوده است». ساختن مجسمه ناصرالدین‌شاه با فلز در قورخانه که محل ساختن سلاح‌های جنگی بوده است انجام شده و گویا آن را در باغ‌شاه نصب کردند. در هنگام نصب این مجسمه که ناصرالدین‌شاه را به صورت سواره بر اسب نشان می‌داد، مراسمی بزرگ برپا کردند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۴۶). در ساختمان معیرالممالک نیز از مجسمه در بالای عمارت و در امتداد ستون‌های اصلی ایوان بنا استفاده شده بود (سلطان‌زاده، ۱۳۷۳: ۴۳).

در دوره رضاشاه شماری فضای سبز عمومی با عنوان «باغ ملی» در بعضی از شهرهای بزرگ کشور مانند تهران، تبریز و مشهد طراحی و ساخته شد. طرح آن‌ها غالباً ساده مانند پارک‌ها بود و در بسیاری از آن‌ها یک یا دو محور اصلی، یک مرکز و قطعه‌ها و فضاهایی سبز که بین راه‌ها قرار داشتند، از اجزای اصلی به‌شمار می‌آمد. انتخاب عنوان «باغ» برای این‌گونه فضاها چندان آشکار نیست، اما روشن است که واژه «ملی» به سبب احساسات ملی‌گرایانه و گرایش‌های ناسیونالیستی حکومت مورد استفاده قرار گرفته است. باغ‌ملی تهران یکی از نخستین نمونه‌های این‌گونه فضاها به‌شمار می‌آید. این باغ تقریباً در نیمی از فضای باز میدان مشق طراحی و ساخته شد و در طراحی و ساخت راه‌ها و بخش‌بندی فضای آن از خطوط منحنی شکل استفاده شده است. مدتی پس از این جریان، «پارک شهر» در تهران ساخته شد که نام آن حاکی از غلبه این نام برای فضاهای سبز شهری و کاربرد آن در شکل امروزی به‌شمار می‌آید.

#### ۴.۵. کاربرد مبلمان و تزیینات داخلی فرنگی

در برخی از ساختمان‌هایی که در پارک‌های شخصی ساخته می‌شدند و در طراحی آن‌ها از الگوهای غربی استفاده می‌شد، از تزیینات و مبلمان فرنگی نیز استفاده می‌کردند. این اقدام که پیشینه آن به دوره قاجار می‌رسد تا نیمه اول قرن معاصر کمابیش در مواردی ادامه یافت. در این مورد برای نمونه می‌توان به عمارت باغ عقیق‌آباد در شیراز اشاره کرد که اتاق‌های آن با کاغذ دیواری‌های اروپایی پوشیده شده و قسمت‌هایی از سقف آن با نقاشی‌هایی از ساختمان‌ها و مناظر اروپایی تزیین شده و مبلمان فرانسوی آن نیز هنوز باقی مانده است. مادام کارلاسرنا نیز به عنوان مثال اشاره کرده که یکی از تالارهای باغی که در تهران بوده و برای

میهمانی به آن دعوت شده بوده، به سبک اروپایی تزیین شده بوده (باغ گیاه‌شناسی ارم، ۱۳۷۶: ۶). سقف دو تالار عمارت اصلی باغ ارم در شیراز نیز با نقاشی‌هایی از چهره زنان و کاخ‌های اروپایی تزیین شده است. استفاده از کاغذ دیواری که از خارج از ایران وارد می‌شد، در خانه‌های بعضی از اعیان معمول شده بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۵۷).

### نتیجه‌گیری

روند طراحی، ساخت و شکل‌گیری باغ‌های ایرانی حاکی از وجود سنت‌ها و روش‌هایی کمابیش پایدار و دایمی است که به‌ویژه به‌سبب اهمیت و تقدس برخی از باغ‌ها مانند باغ - مزارها از جنبه‌ای کمابیش آیینی نیز برخوردار شده‌است. بسیاری از ویژگی‌های طراحی باغ‌ها، همانند طراحی سایر فضاهای معماری، به‌خصوص طراحی فضاهای آیینی و عمومی، از یک سو تحت‌تأثیر برخی از خصوصیات مهم فرهنگ و تمدن ایران و از سوی دیگر تحت‌تأثیر شرایط محیطی و سایر عوامل نظیر کارکرد اصلی فضا قرار گرفته است. در عرصه طراحی باغ‌ها نیز مانند سایر فضاهای معماری، افزون بر انواع طرح‌های کارکردی، از طرح‌های چهارتایی که بیشتر جنبه آیینی و نمادین داشتند، نیز استفاده می‌شده است. چهارباغ مهم‌ترین طرح در باغ‌های ایرانی بوده که جنبه‌ای نمادین داشته و به دو شکل چهارباغ مربع شکل یا با خطوط متقاطع شطرنجی شکل و چهارباغ خطی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. این طرح که پیشینه آن را حداقل به دوره هخامنشیان - در پاسارگاد - نسبت می‌دهند در برخی از باغ‌ها، تا دوره قاجار مورد استفاده قرار می‌گرفت و از آن دوره به بعد، از یک سو به سبب توسعه نوعی تجددگرایی و فرنگی‌سازی و از سوی دیگر به علت فقدان توان و امکانات علمی، فنی و نیروی انسانی کارآموده لازم برای ایجاد نوآوری و خلاقیت در طراحی فضاهای سبز و باغ‌هایی که با شرایط فرهنگی، اجتماعی و محیطی جدید سازگار باشد، به تدریج از طرح‌های فرنگی با عنوان پارک استفاده شد. چنین پدیده‌ای در سایر عرصه‌های معماری و شهرسازی نیز روی داد. به‌عبارت دقیق‌تر بسیاری از عرصه‌های هنری و اجتماعی را فرا گرفت و به‌گونه‌ای خاص موجب گسستگی و ضعف توسعه تجربیات، اندیشه‌ها و مفاهیم طراحی معماری و فضای سبز ایرانی شد.

طراحی بوستان‌ها و انواع فضاهای سبز عمومی، اکنون از یک سو با توجه به تجربیات جهانی و به‌ویژه تجربیات و دانش اروپایی‌ها و سایر کشورهای پیشرفته که منابع آموزشی و حرفه‌ای ما بیشتر تحت‌تأثیر آن‌ها قرار دارد، و از سوی دیگر با توجه به تجربیات و دانش شخصی طراحان و دفاتر مهندسان مشاور و حتی در مواردی بیش و مداخله کارفرماها به پیش می‌رود و تعمیق آن افزون بر فعالیت‌های جاری نیاز به توسعه همه‌جانبه دانش‌ها و علوم

مربوط به معماری، طراحی فضای سبز و اندیشه‌های عمومی مربوط به هنر و فلسفه هنر طراحی دارد.



ژرف‌نگار علم‌انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

- آریان‌پور، ۱۳۶۵، پژوهشی در شناخت باغ‌های ایران و باغ‌های تاریخی شیراز، تهران، فرهنگسرا.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان، ۱۳۶۳، *آلماثر و الآثار*، به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر.
- اوین، اوژن، ۱۳۶۲، ایران امروز، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران، زوار.
- باغ گیاه‌شناسی ارم، ۱۳۷۶، شیراز: دانشگاه شیراز.
- بانی مسعود، ۱۳۸۳، *کتابشناسی گزیده درباره باغ ایرانی*، در: *فصل‌نامه معماری و فرهنگ*، سال پنجم، شماره ۱۷.
- بهار، مهرداد، ۱۳۸۱، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران، آگه.
- بل، گرتروود، ۱۳۶۳، *تصویرهایی از ایران*، ترجمه بزرگمهر ریاحی، تهران، خوارزمی.
- بیهقی، خواجه ابوالفضل محمدبن حسین، ۱۳۵۶، *تاریخ بیهقی*، تصحیح علی‌اکبر فیاض، ج ۲، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- پروشانی، ایرج، ۱۳۷۳، *دانشنامه جهان اسلام*، تهران، بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.
- دانش‌دوست، یعقوب، ۱۳۶۹، طیس، شهری که بود، تهران، سروش.
- سدیدالسلطنه، محمدعلی‌بن‌احمد، ۱۳۶۲، *سفرنامه سدیدالسلطنه*، تهران، به نشر.
- سکویل وست، ۱۳۴۶، *باغ‌های ایرانی*، ترجمه احمد بیرشک و دیگران، تهران، بنگاه ترجمه و نشر.
- سلطان‌زاده، حسین، ۱۳۷۸، *تاج‌محل*، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شرف و شرافت، دوره روزنامه، ۱۳۶۳، مقدمه وفهارس، جواد صفی‌نژاد، تهران، یساولی.
- عمید، حسن، ۱۳۵۷، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، امیرکبیر.
- عبدی‌بیگ شیرازی، ۱۹۷۴، *روضه الصفات*، مسکو: دانش.
- عبدی‌بیگ شیرازی، ۱۹۷۴، *دوحه‌الازهار*، مسکو: دانش.
- کاتب، احمدبن حسین بن علی، ۱۳۵۷، *تاریخ جدید یزد*، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر.
- کارلاسرنا، ۱۳۶۲، *آدم‌ها و آیین‌ها در ایران*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران، زوار.
- مقتدر و دیگران، ۱۳۸۳، *باغ ایرانی*، تهران، سازمان میراث فرهنگی.

- ممتحن الدوله شقاقی، مهدی‌خان، ۱۳۶۲، *خاطرات ممتحن الدوله*، به کوشش حسینعلی‌خان شقاقی، تهران، فردوسی.
- ناطق، هما، ۱۳۵۸، *مصیبت و با و بلای حکومت*، تهران، گستره.
- هیتس، والتر، ۱۳۸۳، *دنیای گمشده عیلام*، ترجمه فیروز فیروز، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- وایش، ۱۳۷۹، "فرش با نقش ایرانی"، ترجمه فرزاد کیانی، در: *فصل‌نامه معماری و فرهنگ*، شماره پنجم.
- ورجاوند، پرویز، ۱۳۷۳، *باغ در ایران*، در دانش‌نامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.
- ویلبر، دونالد نیوتن، ۱۳۴۸، *باغ‌های ایران و کوشک‌های آن*، ترجمه مهین‌دخت صبا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی